

# موسیقی شش رباعی اصیل عمر خیام\*

احمد بیان

آهنگساز و پژوهشگر موسیقی

## مقدمه

ساختن آهنگ بر روی شش رباعی حکیم عمر خیام نیشابوری را به راستی مدیون دوست ارجمند و دانشمندم آقای دکتر جعفر آقایانی چاوشی می‌باشم، از اینرو این اثر را که برای ارکستر سمفونیک نوشته و در آن تنها به خط ملودی خواننده بسنده شده است، به ایشان تقدیم می‌کنم تا بدینوسیله از زحمات بی‌شائبه این پژوهشگر سختکوش در شناساندن مفاخر ایران زمین قدردانی کنم.

پیش از ورود به موضوع اصلی، ضروری است نکاتی پیرامون موسیقی گفته

---

\* مقاله «موسیقی رباعیات اصیل خیام» که در دؤمین ویژه‌نامه خیام در فصلنامه فرهنگ، چاپ گردید، استقبال گرم خوانندگان را در پی داشت.

این اثر همچنین بلافاصله بعد از انتشار مورد توجه شورای عالی واحد موسیقی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و توسط ارکستر سمفونیک این سازمان و با صدای آقای جمال‌الدین منبری اجرا گردید و بهترین رتبه را در همان سال از آن خود کرد.

از اینرو از آقای بیان تقاضا کردیم مشابه این کار را برای شش رباعی اصیل دیگر خیام انجام دهد. ایشان نیز درخواست ما را با رویی گشاده پذیرفتند و این کار را با موفقیت انجام دادند که اینک از نظر خوانندگان گرمی می‌گذارد.

شود تا خوانندگان بهتر بتوانند موسیقی رباعیات مورد بحث را دریابند. موسیقی از نظر علمی عبارت از انتشار صداهای موزون در پایین‌ترین لایه جو زمین است. به عبارت دیگر موسیقی، هنر و دانش ترکیب و تداوم اصوات و ریتمهای هماهنگ و گوناگون است.

موسیقی راستین بمنزله روح می‌باشد که اندیشه و خیال را چنان می‌پروراند که پرواز آدمی را در فضای بیکران میسر می‌سازد.

آنچه را که انسان می‌شنود، صدا می‌نامند که برای شنیدن آن نیاز به مؤلّد، انتقال‌دهنده و گیرنده صدا می‌باشد.

مولد صدا بطور کلی انسانها و آلات موسیقی هستند که باعث تولید صدا می‌شوند. انتقال‌دهنده صدا که بطور کلی هوا می‌باشد همین ارتعاشات تشکیل شده بوسیله مولد را به گوش یعنی گیرنده صدا می‌رساند که مغز سریعاً (منظم یا نامنظم بودن) آنرا تشخیص می‌دهد. چنانچه پدیده‌ای هوا را بطور نامنظم و پراکنده جابجا کند صدای حاصل از آن به شکل نامطبوع و گوش خراش شنیده می‌شود مثل شکستن شیشه و یا انفجار بمب.

و چنانچه وسیله‌ای مانند ساز موسیقی باعث جابجایی و ایجاد موج منظم در فضا شود صدای حاصل از آن خوشایند و دلنشین خواهد بود.

گوش انسان قادر است از فرکانس ۱۶ تا ۲۰ هزار را تشخیص دهد، ولی زیباترین نوع صدا را صدای موسیقایی می‌نامند که محدوده آن از فرکانس ۲۷/۵ تا ۴۰۹۶ تعیین و تماماً روی ساز پیانو تعبیه شده است. پس ساز، وسیله‌ای است برای ایجاد بهترین و زیباترین صداها و انسان اولین و شگفت‌انگیزترین ساز موجود در طبیعت می‌باشد.

خداوند حنجره آدمی را به گونه‌ای آفریده است که بتواند صداهای موسیقایی را به بهترین شکل ممکن ایجاد کند. تنها انسان است که قادر است، علاوه بر ایجاد صداهای موسیقایی، کلام را نیز با آن تلفیق کرده و «کلام موسیقایی» خلق نماید.

زیر و بمی، کشش، دامنه و طنین از ویژگیهای صدای موسیقایی می‌باشند. سه رکن اصلی موسیقی به ترتیب اهمیت عبارتند از: ریتم (وزن)، ملودی (نغمه)، هارمونی (هماهنگی) و دو رکن فرعی را که به آنها اضافه می‌شود، فرم و

## موسیقی شش رباعی اصیل عمر خیام ۲۵۵

ارکستراسیون (سازبندی) می نامند. ریتم به مثابه جان است و ملودی به مانند تن و هارمونی هماهنگ کننده این دو را با یکدیگر می باشد. این سه عامل نه تنها در موسیقی بلکه در تمام آفریده های خداوند مشاهده می شوند. مانند گردش فصول که ریتم آن چهار ضربی است و ملودی هر فصل که به آرامی با فصلی دیگر پیوند خورده و این فرایند هر سال به طور هماهنگ تکرار می گردد.

موسیقی کلاسیک یک هنر آکادمیک است که از گذشته های بسیار دور جمع آوری شده و دسته بندی و گسترش یافته است. حرکت موسیقی در غرب دارای جهت طولی است به عبارتی از یک نقطه در پایین آغاز و در حال حرکت به یک نقطه در بالا می باشد. با تسلط بر موسیقی آکادمیک می توان تمام زوایای موسیقی را مورد مطالعه قرار داد.

گفتیم که موسیقی از ریتم و ملودی تشکیل شده است. در ریتم، جان موسیقی محسوس می شود و ریتمها برای هر ملتی متفاوت می باشند، همانگونه که کلام نیز در نزد هر ملتی متفاوت است. بنابراین با شنیدن یک قطعه موسیقی می توان به فرهنگ، آداب و رسوم، خلاقیتها و باورهای آن ملت پی برد. ریتمهای دو ضربی و چهار ضربی که در اکثر کارهای غربی مشاهده می شوند دارای نمودار شکسته هستند. اما ریتمهای ترکیبی و مختلط که معمولاً در موسیقی شرق به کار می روند، بسیار عرفانی و نرم هستند. چون نمودار کلام موسیقی ما که نشأت گرفته از ادبیات ماست غالباً منحنی می باشد، بالطبع موسیقی ما نیز به همین گونه است.

ممکن است موسیقی غرب بطور واضح عرفانی نباشد اما منطقی است و چون ما بیشتر با قلبمان فکر می کنیم، همین ویژگی در جلوه های فرهنگی ما نیز مشاهده می شود و موسیقی ما در عین تک صدای و حرکت عرضی، بسیار جذاب و دلنشین می باشد.

اولین کسی که گام را در موسیقی بنا نهاد فیثاغورث بود که یک ریاضیدان مشهور عهد باستان است. این خود نشان می دهد که موسیقی با اعداد پیوند تنگاتنگی دارد. از طرف دیگر افلاطون معتقد بود که غایت موسیقی فلسفه است. زیرا در موسیقی آکادمیک منطق، تکنیک و احساس با هم آمیخته می شوند. از اینرو موسیقی گاهی بر احساس تکیه دارد و گاهی نیز بر عقل. هر کدام از اینها ایجاد تنوع

کرده که به نوبه خود بسیار جذاب است.

همانطور که نور خورشید با عبور از منشور به رنگهای سازنده آن تجزیه می‌شوند، صدای موسیقایی نیز بجز خود از چندین صدای فرعی بوجود می‌آید که آنها را هارمونیکهای (هماهنگ‌های) صدای اصلی می‌نامند و چنانچه صدایی (تنی) در محدوده بم را با سازی مثل ویلنسل و یا پیانو اجرا کنیم، گوش حساس و تربیت شده می‌تواند برخی از هارمونیکهای نزدیک به صدای اصلی را تشخیص هر صدایی چه منظم و چه نامنظم، دارای هماهنگ‌هایی است.

هماهنگ‌های صدای موسیقایی (صدای منظم) را می‌توان پیش‌بینی، ثبت و مطالعه کرد و حال آنکه هماهنگ‌های صدای نامنظم گنگ و نامنظم می‌باشند.

## هماهنگ‌ها

### Harmonics or Overtones

نت صفا → هماهنگ‌ها

## موسیقی شش رباعی اصیل عمر خیتام ۲۵۷

نمودار بالا بیست هارمونیک از سری هارمونیک‌های نت دو (DO) را نشان داده است. نت مینا با عدد یک و بقیه هارمونیکها به ترتیبی تا عدد بیست مشخص شده و اسامی هر یک روی آنها نوشته شده است. شایان ذکر است که هارمونیک‌های هفتم، یازدهم و چهاردهم که با علامت منفی مشخص شده‌اند، فرکانس شان کمتر می‌باشد و هارمونیک سیزدهم که با علامت مثبت مشخص شده است فرکانس کمی بیشتر است. ملاحظه می‌شود که، هارمونیک‌های (یکم، دوم، چهاردم، هشتم، شانزدهم) و (سوم، ششم، دوازدهم) و (پنجم، دهم، بیستم) و (هفتم، چهاردهم) و (نهم، هجدهم) همنام بوده و دارای نسبت دو برابر می‌باشند.

هارمونیک‌های همنام	هارمونیک‌های غیر همنام										
	۱	۳	۵	۷	۹	۱۱	۱۳	۱۵	۱۷	۱۹	۲۰
	۲	۶	۱۰	۱۴	۱۸						
	۴	۱۲	۲۰								
	۸										
	۱۶										

با دور شدن هارمونیکها از نت مینا، درصد خوشایندی آنها نسبت به پایه کاهش می‌یابد. چون هارمونیک‌های یکم تا چهارم دارای فواصل اکتاو، پنجم و چهارم درست می‌باشند، آنها را مطبوع کامل می‌نامند و از نظر صدا دهنگی خوشایند، آرام و ایستا هستند به همین دلیل اغلب سازهای سیمی را با فواصل پنجم - چهارم کوک می‌کنند مانند تار (دو، سل، دو) و یلون (سل، ر، لا، می و ...). البته فاصله چهارم درست، بدون مضاعف شدن در بخش باسی ناآرام و نسبتاً ناخوشایند به گوش می‌رسد.

گامها و آکوردها براساس هارمونیکها بوجود می‌آیند و به طور کلی ساختار و اجزای موسیقی را می‌توان در یک صدا مشاهده و بررسی کرد. مثلاً با اجرای همزمان هارمونیکهای چهارم، پنجم و ششم، آکورد تریاد (سه صدایی) ماژور بدست می‌آید. و از ترکیب هارمونیک‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم، آکورد

چهارم صدایی و با افزودن هارمونیک نهم، یازدهم و سیزدهم به این مجموعه، به ترتیب آکوردهای پنج، و شش و هفت صدایی ساخته می‌شوند. چنانچه هارمونیک‌های هشتم تا شانزدهم را به ترتیب و با کمی تغییر (حذف هارمونیک چهاردهم و آتره کردن نیم پرده کروماتیک هارمونیک یازدهم به طرف پایین) اجرا کنیم، گام ماژور (ماهور) بدست می‌آید که پویایی و حرکت در هر صدای موسیقایی در آن مشهود است. به گونه‌ای که هر صدای منظم از نظر علمی و حسی میل به یک فاصله پنجم درست بالاتر از خود دارد. به عبارتی شاهد هر صدا پس از خودش یک فاصله پنجم درست بالاتر می‌باشد. اما بعلت بافت موجود در هارمونیک‌های یکم تا هفتم، هر صدا گرایش به یک فاصله چهارم دارد. و در اینجا وجود و جاذبه هارمونیک‌های چهارم، پنجم و ششم و هفتم، صدای دو (DO) را به طرف (Fa) می‌کشاند. گرایش هر صدا به یک فاصله چهارم بالاتر آنقدر ادامه می‌یابد تا یک چرخه کامل می‌شود و توالی بیست و چهارگام ماژور و مینور بدست می‌آید. جالب است که هر صدا پس از طی یازده صدای دیگر با فاصله چهارم درست، مجدداً به خود باز می‌گردد و همواره این چرخه ادامه می‌یابد. برای جلوگیری از حرکت تسلسل چهارمها لازم است تن یا تنالیتته را تثبیت کرد یعنی پیش از حرکت پله‌ای چهارمها نئی اجرا شود که گرایش واقعی اش طبق قانون هارمونیک‌ها، به تن مبدأ باشد مثلاً نت دو را بعنوان مبدأ در نظر گرفته و نت فا بعنوان گرایش اول را اجرا کرده و سپس نت سل را بعنوان تنها هارمونیک و شاهد دو (DO) اجرا می‌کنیم. بدینسان تن (DO) تثبیت می‌شود. تثبیت تنالیتته در موسیقی تنال نیز به همین گونه می‌باشد.

### I- موسیقی شش رباعی اصیل خیام

با توجه به مطالب فوق که نشانگر زبان علمی و توانمند موسیقی است، لازمه ساختن موسیقی بر روی شش رباعی عمر خیام، درک صحیح و عمیق از اندیشه‌های وی و شناخت کافی از زبان و منطق موسیقی جهت انطباق و تلفیق این دو، یعنی موسیقی و شعر می‌باشد.

برای آشنایی خوانندگان محترم با ساختار علمی این اثر، مختصراً به تحلیل موسیقی این رباعیات می‌پردازم.

### ۱-۱- موسیقی رباعی اول

دوری که در او آمدن و رفتن ماست آن را نه بدایت نه نهایت پیداست  
ملودی خواننده از تن دوی (۳) به عنوان مبدأ آغاز شده و با آلتیه سیونهای  
پی در پی بالا و پایین رونده، حرکت دورانی همراه با سرگردانی و ابهام را به شنونده  
القاء می‌کند که با طی یک فاصله چهارم افزوده با حرکت ملودیک پیوسته یک  
پرده‌ای (whole tone) از نت دو به فا دیز رفته و فضای فلسفی حاکم بر مصرع اول  
را در نیم جمله اول موسیقی بیان می‌کند.  
محتوای مصرع دوم را موسیقی با حرکات کروماتیک پله‌ای بالا رونده و فرود  
برنت سی بمل نشان می‌دهد.

به نظر خیام شروع و پایان این چرخه نامعلوم می‌باشد. از اینرو موسیقی با  
پیمودن فواصل سوم کوچک بالا رونده و نیم پرده‌ای پایین رونده و عدم تثبیت تنی  
خاص و بالاخره فرود موقت برنت سی بمل، محتوای مصرع دوم را بازگو می‌کند.  
موسیقی با کمی اختلاف بیت اول را تکرار می‌کند تا بدینوسیله به اهمیت این  
اندیشه فلسفی تأکید کند.

کس می نزد می در این معنی راست کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست  
موسیقی مصرع اول از بیت دوم، فضای آنتال را ترک کرده و در مد مینور تأسف  
خود را از جهل آدمی نسبت به حقیقت وجود نشان داده و با تکرار مجدد این مصرع  
با توجه به ملیت خیام، به ماژور و چهارگاه مد گردی موقت می‌کند و بلافاصله با  
طی فواصل نیم پرده‌ای بالا رونده، حرکت به جایی نامعلوم را آغاز می‌کند.

### ۲-۱- موسیقی رباعی دوم

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من وین حرف معما نه تو خوانی و نه من  
هست از پس پرده گفتگوی من و تو نه این پرده برافند نه تو مانی و نه من  
خیام معتقد است اسرار جهان آفرینش را کسی جز خداوند بزرگ نمی‌داند و  
«کس نگشود و ناگشاید به حکمت این معما را». تصورات و دستاوردهای علمی  
بشری همواره در پشت پرده‌ای است که دست یافتن به راز آفرینش که در سوی  
دیگر آن پرده است با توجه به زندگی کوتاه آدمی میسر نمی‌باشد. چون خورشید

علم و فلسفه از شرق طلوع کرده است، استفاده از چهارگاه ریمل که درجه سوم آن چندین بار به طرف پایین آتره می شود ذهن شنونده را به شرق نشینانی سوق می دهد که همواره در پی کشف رمز و راز هستی بوده اند و فرود در سی مینور، نافرجام ماندن اندیشه های فلسفی انسان را بازگو می کند.

### ۲-۱- موسیقی رباعی سوم

گردون نگری ز چشم فرسوده ماست      کوثر اثری ز اشک پالوده ماست  
دوزخ شرری ز رنج بیهوده ماست      فردوس دمی ز وقت آسوده ماست  
خیام می گوید، نگاه آدمی به جهان و فرا جهان در محدوده تواناییهای فیزیکی و روحی وی نیست، به عبارتی تعریف عام از جهان آفرینش، کوثر، دوزخ، فردوس و ..... درکی است که توسط محسوسات فرسوده اش به آن دست یافته است. به همین دلیل موسیقی، خامی و تاریکی این دریافت بشری را در بیت اول و مصراع اول از بیت دوم بصورت مینور و در مصراع دوم از بیت دوم آرامش، آسودگی، تعادل و به تعبیر خیام، فردوس را در گام دو ماژور که طبق ساختار موجود در موسیقی تنال گام متعادل می نامند، نشان می دهد.

### ۴-۱- موسیقی رباعی چهارم

نیکي و بدی که در نهاد بشر است      شادی و غمی که در قضا و قدر است  
با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل      چرخ از تو هزار بار بیچاره تر است  
به نظر خیام مصائب و مشکلاتی را که مردم به دلیل نادانی به چرخ و گردون نسبت می دهند نادرست است و آگاهی انسان را خیلی بیشتر از مخلوقات دیگر می داند.

مصراع اول بیت اول در دو ماژور نوشته شده است و در مصراع دوم به مینور و همایون مد گردی موقت شده و توصیه های خیام در بیت دوم در مد مینور نشان داده شده است.



### ۵-۱- موسیقی رباعی پنجم

این کوزه چون من عاشق و زاری بوده است      در بند سر زلف نگاری بوده است  
این دسته که در گردن او می‌بینی      دستی است که بر گردن باری بوده است  
این رباعی نشان می‌دهد، که خیام نه تنها به مسائل علمی و فلسفی می‌پرداخته بلکه از روحی زیبا و شاعرانه نیز برخوردار بوده است. موسیقی بیت اول در تنالیته دو مینور نوشته شده که در بیت دوم به فا مینور و بالاخره سی بمل مینور مدگردی می‌کند.

### ۶-۱- موسیقی رباعی ششم

روزی که گذشته است از آن یاد مکن      فردا که نیامده است فریاد مکن  
برنامه و گذشته بنیاد مکن      حالی خوش باش و عمر بر باد مکن  
در این رباعی، خیام توجه را به حضور در لحظه و درک آن جلب می‌کند. البته وی در برخی از رباعیات دیگر نیز به این مهم اشاره کرده است مانند:  
ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم      این یک دم عمر را غنیمت شمريم  
خیام می‌گوید عمر آدمی هر چند کوتاه یا بلند، از لحظه‌هایی تشکیل یافته است که عدم وقوف بر این لحظه‌ها آدمی را تباہ می‌کند.  
مقام شور برای بیان موسیقایی این رباعی در نظر گرفته شده است. مطالب گفته شده اشاره‌ای به انطباق منطق و احساس، و تجربه در ایجاد یک اثر هنری می‌باشد که معمولاً هنرمندان با آن سر و کار دارند.  
در خاتمه از همسر پروین علایی و تمامی عزیزانی که در انجام این کار فرهنگی مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزارم.

**خیام**  
قسمت اول  
**Khayyam**  
Mov.1

آهنگساز: احمد بیان  
by: Ahmad Bayan

$\text{♩} = 70$  *Misteriosamente*

Tenor

dov ri ke dar ou a ma da no

**دوری که در او آمدن و رفتن ماست**

raf ta ne ma'st an ra' an

(h)

ra' na be da' yat pey da'st na na ha'

**آنرا نه بدایت نه نهایت پیداست**

yat pey da'st na be da' yat na na ha'

خیام : قسمت اول

Khayyam : Mov.1

p.2



دوری که در او آمدن و رفتن ماست



دوری که در او آمدن و رفتن ماست



رفتن ماست

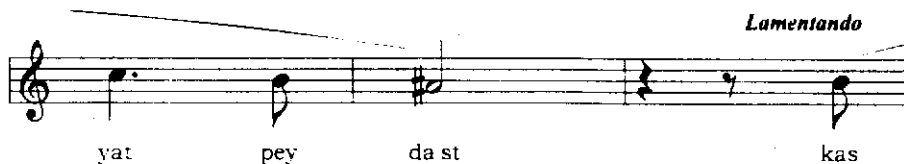


آنرا نه بدایت نه نهایت پیدا است

خیام : قسمت اول

Khayyam : Mov.1

p.3



کس می نژد دمی درین معنی راست



کس می نژد دمی درین معنی راست



خیام : قسمت اول

Khayyam : Mov.1

p.4

*Febbrile*



kin a' ma da az ko ja' vo raf

کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست



tan be ko ja'st be ko ja'st be ko ja'st

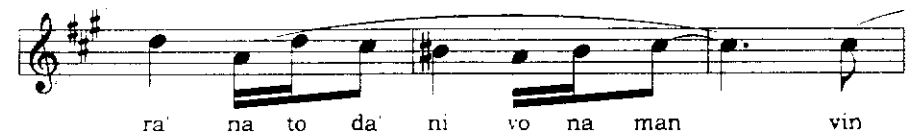
به کجاست

به کجاست



as ra' re a zal

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من



ra' na to da' ni vo na man vin

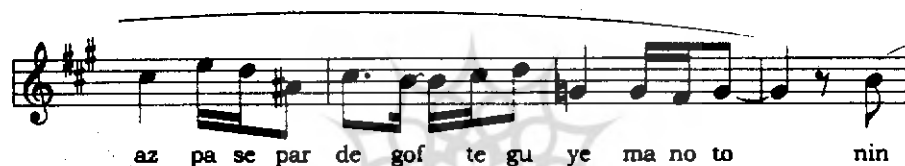
خیام : قسمت اول

Khayyam : Mov.1

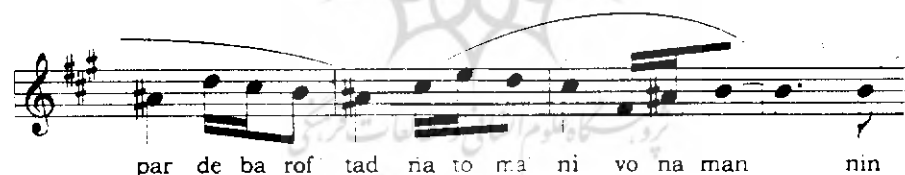
p.5



وین حرف معما نه تو خوانی و نه من



هست از پس برده گفتگوی من و تو



نه این برده برافتد نه تو مانی و نه من



نه این برده برافتد نه تو مانی و نه من

**خیام**  
قسمت دوم  
**Khayyam**  
M.2

آهنگساز: احمد بیان  
by: Ahmad Bayan

♩ = 140 *Serioso*

Tenor

خیام : قسمت دوم

Khayyam : M.2

P.2



فردوس دمی ز وقت آسوده ماست



گردون نگری ز چشم فرسوده ماست



کوثر انری ز اشک بالوده ماست





خیام : قسمت دوم

Khayyam : M.2

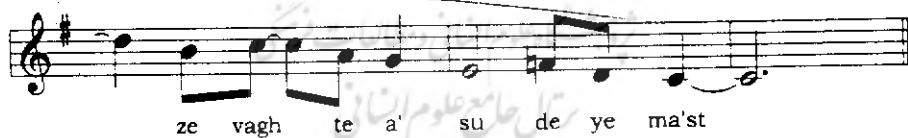
P.3



دوزخ شرری ز رنج بیهوده ماست



فردوس دمی ز وقت آسوده ماست



# خیام

قسمت سوم

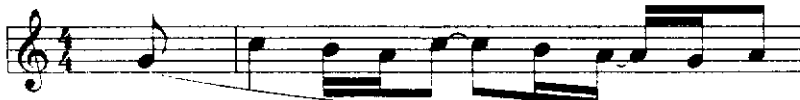
Khayyam

Mov.3

آهنگساز: احمد بیان  
by: Ahmad Bayan

$\text{♩} = 80$  Liturgico

Tenor



ni ki vo ba di ke dar na ha'

نیکی و بدی که در نهاد بشر است



de ba shar ast sha' di vo gha mi ke dar gha za'

شادی و غمی که در قضا و قدر است



vo gha dar ast ni ki vo ba di ke dar na ha'

نیکی و بدی که در نهاد بشر است



de ba shar ast sha' di vo gha mi ke dar gha za'

شادی و غمی که در قضا و قدر است

خیام : قسمت سوم

Khayyam : M.3

p.2



با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل



چرخ از تو هزار بار بیچاره تر است



با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل



چرخ از تو هزار بار بیچاره تر است

**خیام**  
قسمت چهارم  
Khayyam  
Mov.4

آهنگساز: احمد بیان  
by: Ahmad Bayan

$\text{♩} = 140$  *Doloroso*


Tenor   
in ku ze cho man in ku ze cho man

این کوزه چو من این کوزه چو من



a' she ghe za' ri bu dast dar

عاشق زاری بوده است



ban de sa re zol fe ne ga' ri bu dast

در بند سر زلف نگاری بوده است



in ku ze cho man in ku ze cho man

این کوزه چو من

این کوزه چو من

خیام : قسمت چهارم

Khayyam : M.4

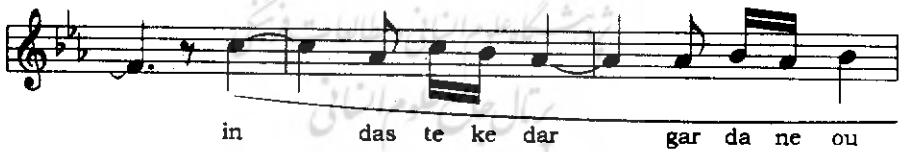
p.2



عاشق زاری بوده است



در بند سر زلف نگاری بوده است



این دسته که در گردن او می بینی



خیام : قسمت چهارم

Khayyam : M.4

p.3



gar da ne ya' ri bu dast in

دستی است که بر گردن یاری بوده است



das te ke dar gar da ne ou mi bi ni

این دسته که در گردن او می بینی



das tist ke bar gar da ne ya'

دستی است که بر گردن یاری بوده است



ri bu dast das tist ke bar gar da ne ya'

خیام : قسمت چهارم

Khayyam : M.4

p.4



این کوزه چو من

این کوزه چو من



این کوزه چو من عاشق زاری بوده است



در بند سر زلف نکاری بوده است



**خیام**  
قسمت پنجم  
**Khayyam**  
Mov.5

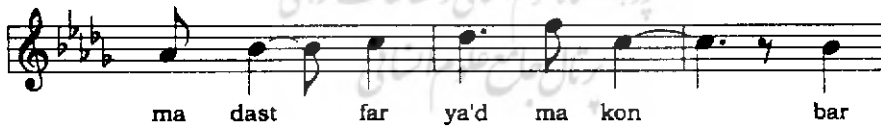
آهنگساز: احمد بیان  
by : Ahmad Bayan



روزی که گذشته است از آن یاد مکن



فردا که نیامده است فریاد مکن



بر نیامده و گذشته بنیاد مکن

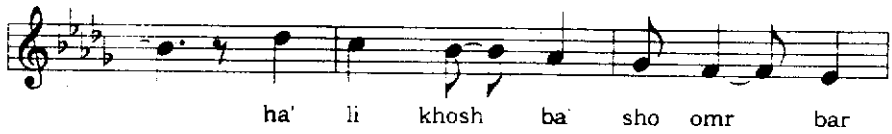




خیام : قسمت پنجم

Khayyam : M.5

p.2



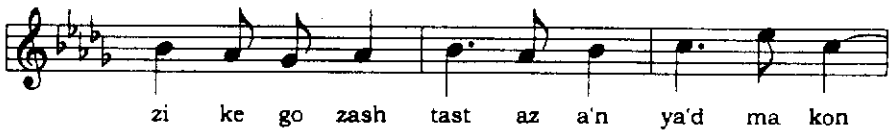
حالی خوش باش و عمر بر باد مکن



حالی خوش باش و عمر بر باد مکن



روزی که گذشته است از آن یاد مکن



خیام : قسمت پنجم

Khayyam : M.S

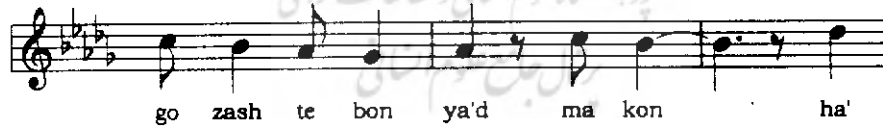
p.3



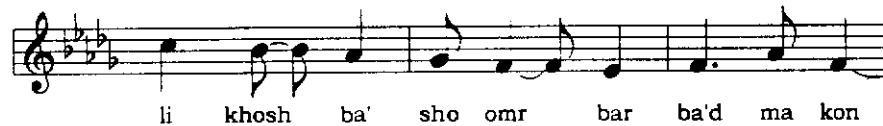
فردا که نیامده است فریاد مکن



برنامه و گذشته بنیاد مکن



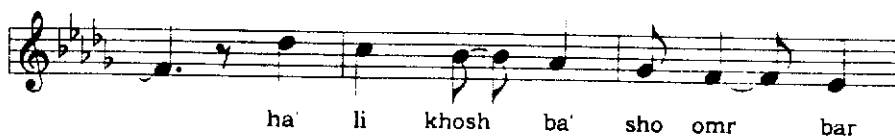
حالی خوش باش و عمر بر باد مکن



خیام : قسمت پنجم

Khayyam : M.5

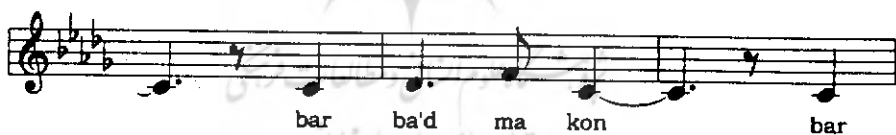
p.4



حالی خوش باش و عمر بر باد مکن



بر باد مکن



بر باد مکن



بر باد مکن



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی